

غمِ بزم

یادداشت‌های کبود

محمدرضا شکراللهی



انتشارات نقش مانا

اصفهان، صندوق پستی ۳۶۳-۸۱۷۳۵، تلفن: ۶۲۵۷۱۳۱

غم بزم (یادداشت‌های کبود)

محمدرضا شکراللهی

مدیر تولید: حشمت‌الله انتخابی

ویراستار: بهجت قریشی‌نژاد

حروف‌نگاری: آرزو کیوان

صفحه‌آرایی: مرضیه کوچک‌زاد

مقابله: میترا شهبازی

طراح جلد: پریسا صنیعی

• لیتوگرافی جلد: زمان / متن: طلوع

• چاپ جلد: ملت / متن: نوای امید • صحافی: سپاهان

• چاپ اول: ۱۳۸۴ • تعداد: ۲۲۰۰

© حق چاپ محفوظ است.

ISBN: 964-7418-44-2

شابک: ۹۶۴-۷۴۱۸-۴۴-۲

شکراللهی، محمدرضا، ۱۳۴۱

مجموعه: یادداشت‌های کبود / محمدرضا شکراللهی، ویراستار: بهجت قریشی‌نژاد. --

اصفهان: نقش مانا، ۱۳۸۲

ISBN: 964-7418-44-2

۲۹۶ ص: مصور.

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. م. -- زلزله، ۱۳۸۲. ۲. م. -- زلزله، ۱۳۸۲. -- خاطرات.

الف. عنوان. ب. عنوان: یادداشت‌های کبود.

۹۵۵/۷۲۳۲

DSR۲۰۷۵ / م۲

۸۲-۱۰۲۰۳

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

۷	 دیباچه
۹	 بیوگرافی بم
۱۳	 سرگواره بم
۱۶	 قدم به قدم با زلزله‌زدگان بم
۲۶	 اینجا گورستان بم، نه صحرای محشر است!
۳۳	 با شب‌زنده‌داران و آوارگان دیار فاجعه
۳۶	 در جست‌وجوی ارتباطات گسیخته در شهر بم
۴۳	 با «کاروان امید» کودکان بمی
۴۸	 شتاب مرکب «خبر» در پیست جهانی‌ترین شهر دنیا
۵۴	 غنچه‌ای از باغ امید بمی‌ها
۵۹	 مرز نهایی فاجعه بم کجاست؟
۶۶	 از مزار شریف تا مزار بم
۷۰	 جای خبرنگاران در بم خالی است
۷۶	 آن شب آسمانی در بم
۸۱	 زخم‌هایش
۸۴	 یک روز کاری فرماندار بم
۹۱	 برگ بیست
۹۹	 پس‌لرزه‌های اعتیاد
۱۰۹	 «بم» با «کار» زنده می‌شود

۱۱۶	یک نگاه بی همتا.....
۱۲۰	بگذار سخن بگویم.....
۱۲۶	اردوگاه‌نشینی مردم قدیمی‌ترین شهر جهان.....
۱۳۹	من فرماندار ویرانترین شهر دنیا هستم.....
۱۴۶	گنج یا قوت‌های یک شهر ویران.....
۱۵۵	پاکبازی آن گمنام تهرانی.....
۱۶۳	با من به گورستان بم بیایید.....
۱۷۹	بازار داغ «مشاغل گورستانی» در بم.....
۱۹۳	یتیمان تیره‌روز.....
۱۹۸	تنها‌ترین‌های دیار فاجعه.....
۲۰۹	فلک‌زدگان شهر رؤیا.....
۲۲۱	به خاطر اشک‌های پاکی که در پای ارگ بم چکید.....
۲۳۵	بم را «خانه ملل» کنیم.....
۲۳۹	هفت برگ سکوت بسطامی.....
۲۵۱	بمی که من می‌شناسم.....
۲۵۷	جلوه‌های ویژه فاجعه بم.....
۲۹۲	گزارش خبری از زلزله بم.....

دیباچه

کتاب حاضر با عنوان غم بم (یادداشت‌های کیود)، دستاورد سه بار سفر به دیار زلزله‌زده بم است. در پی وقوع زلزله دلخراش شهرستان بم در ساعت ۵:۲۸ سحرگاه روز جمعه پنجم دی‌ماه ۱۳۸۲، صدها خبرنگار و نویسنده عازم این منطقه شدند، ناگوشه‌ای از فجایع رخ داده در این دیار را واثاب دهند. نگارنده نیز به‌عنوان خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) بعد از این حادثه تلخ و ناگوار سه بار به این شهرستان سفر کردم که حاصل آن مجموعه حاضر است. مرحله نخست این سفر سه روز بعد از زلزله بم (هفتم دی‌ماه سال ۸۲) آغاز شد که هشت روز طول کشید و در این مدت با توجه به شرایط خاص اولیه حاکم بر اوضاع بحرانی منطقه، سلسله مطالبی به رشته تحریر در آمد.

مرحله دوم سفر که حدود هفت ماه بعد از وقوع زلزله بم انجام گرفت، از روز ۱۲ مردادماه سال ۸۳ شروع شد و حدود ۱۵ روز طول کشید. بالاخره مرحله سوم این سفر که از ۱۴ مهرماه سال ۸۳ آغاز شد در مجموع ۱۲ روز ادامه داشت.

در این سفرها، یادداشت‌هایی بر اساس مشاهدات، گفت‌وگوها و داده‌های جانبی تهیه شد که در این مجموعه تقدیم خوانندگان محترم می‌شود. هر یک از این یادداشت‌های درباره موضوعی خاص از زلزله است. با این حال، ترتیب دسته‌بندی آنها برحسب تقدم زمانی نگارش و با قید محل تهیه آنها صورت گرفته است.

این مجموعه شامل ۳۲ یادداشت از وقایع گوناگون زلزله بم و همچنین یک قسمت با عنوان «جلوه‌های ویژه فاجعه بم» است. قسمت اخیر حاصل دیده‌ها و شنیده‌های صاحب این قلم راجع به تقدیرهای گوناگون و عجیب و غریب انسانهای حاضر در صحنه زلزله بم است که در ۱۶ پلان مختلف ارائه شده است.

برای نشان دادن عمق فاجعه زلزله پنجم دی‌ماه سال ۸۲ بم کوشیده‌ام همراه هر یادداشت یک یا چند عکس که با متن یادداشت‌ها تناسب موضوعی داشته باشد ارائه دهم، ضمن اینکه بیشتر عکس‌ها لزوماً به معنی تصویر فرد یا افرادی که در مطالب راجع به آنها سخنی گفته شده است، نیست. در این کتاب از عکسهای متشره در سایت‌های اینترنت و عکس‌های بعضی از دوستان به‌ویژه همکار عزیزم سید محمد میرافضلی استفاده شده است. در اینجا لازم می‌دانم از این دوست گرانمایه و همچنین تمام عکاسان انسان‌دوست دیگری که با وقوع زلزله بم سراسیمه به منطقه شتافتند ناگوشه‌ای از فجایع این دیار را در معرض دید جهانیان قرار دهند و از عکس‌هایشان در این کتاب استفاده شده است سپاسگزاری کنم.

با اینکه بخش اعظم مجموعه «یادداشت‌های کبود» ماهها پیش آماده انتشار و طبع بود، اما به دلایلی از جمله مشکلات مالی، کم‌لطفی برخی از همکاران و گرفتاری همیشگی اهل قلم شهرستانی از ناحیه برخی پایتخت‌نشینان، این اقدام تاکنون به تعویق افتاده است.

کوشش بسیاری کردم که کتاب حاضر لااقل در نخستین سالگرد حادثه بم به زیب طبع آراسته شود، اما این کار نیز به دلیل مشکلات پیش گفته میسر نشد تا اینکه به مدد همکاری انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان اصفهان، شورای اسلامی شهر اصفهان و به‌ویژه معاضدت شهردار محترم این شهر، این اثر - گرچه با تأخیر - امکان انتشار پیدا کرد.

با عنایت به کمبود امکانات و مساعی برای انتقال شبان داده‌ها در آن مقاطع خاص، طبعاً این مجموعه خالی از اشکال نیست که تذکر خوانندگان محترم، بنده را مت‌پذیر خواهد ساخت. نگارنده در سه مرحله حضورم در بم، صحنه‌های بس تکان‌دهنده‌ای را مشاهده کردم که هرگز قادر نیستم آنها را از صفحه ذهنم بزدایم. من که در سالهای زمان جنگ نیز شاهد ویرانی شهرها و روستاهای کشورم و نیز قربانی شدن هزاران تن از هموطنانم به دست دژخیمان رژیم ساقط شده بعث عراق بودم و در این زمینه نیز توشه خبری و مطبوعاتی فراوانی در چته داشتم، بعد از دیدن فجایع زلزله بم بیش از پیش در برابر قدرت لایزال پروردگار یگانه، احساس عجز و ناتوانی کردم و بدنگانش را در برابر اقیانوس کرانه ناپیدی عظمت او همچون خسی بی‌مقدار یافتم.

در زلزله ساعت ۵:۲۸ سحرگاه جمعه پنجم دی‌ماه ۱۳۸۲ فقط در عرض ۱۳ ثانیه یک شهرستان نسبتاً بزرگ به تلی از خاک بدل شد و دهها هزار نفر از مردم آن کشته شدند. آمارهای رسمی شمار قربانیان را بیش از ۳۰ هزار نفر و آمارهای غیر رسمی و مردمی تعداد جان‌باختگان را حتی تا دو برابر این رقم برآورد کرده‌اند. تعداد مجروحان این حادثه نیز بیش از ۲۰ هزار نفر تخمین زده شد. زلزله بم بیش از ۹۰ درصد از اماکن مسکونی، تجاری و اداری و فرهنگی شهرستان بم را به تلی از خاک بدل کرد که در این میان ویرانی بزرگترین شهر خشتی جهان یعنی «ارگ بم» اهمیت خاص خود را دارد.

با امید به اینکه به یمن اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و مقاوم‌سازی بناها در کشورمان که از نقاط زلزله‌خیز جهان است، دیگر شاهد بروز این‌گونه حوادث هولناک در ایران عزیزمان نباشیم، ان‌شاءالله این برگ سبز منشأ باقیات‌الصالحات برای این درویش سراپا تقصیر، شادی روح درگذشتگان فاجعه و جلب رضایت خوانندگان گرامی به‌خصوص بمی‌های خونگرم شود.

این اثر را به روح جان‌باختگان گمنام این حادثه و خانواده‌های آنان که از مزار عزیزان خود نشانی ندارند، تقدیم می‌کنم.

محمد رضا شکراللهی - ۸۴/۱/۱۵